افغانستان بحیث یک کشور مستقل نخست عضویت جامعه ملل و بعدا عضویت سازمان ملل متحد را کسب نمود . افغانستان به حیث عضو فعال جامعه بین المللی یکی از بنیان گذاران نهضت عدم انسلاک و یکی از مؤسسین مؤتمر اسلامی بشمار میرود .

علاقهٔ افغانستان به صلح و سلامت جهانی ریشه عنعنوی داشته چنانچه این کشور همیشه از سیاست بیطرفی پیروی نموده است ، علاوتاً افغانستان قرار داد های دو جانبه دوستی منجمله با اتحاد شوروی عقد نموده و مخصوصاً با کشور اخیر الذکر در روابط خویش دایماً پیرو اصل حسن همجواری بوده است .

نظام سلطنتی در افغانستان در سال ۱۹۳۱ مبدل به شاهی مشروطه در سال ۱۹۷۳ نظام ریاست جمهوری جانشین آن گردید. در سال ۱۹۷۸ در افغانستان به تعقیب کودتای ۷ ثور یک رژیم طرفدار اتحاد شوروی بوجود آمد . در دوران حکومات امین و تره کی نفوذ اتحاد شوروی در افغانستان بسرعت افزایش یافت و همزمان با آن نارضایتی عامه نیز اوج گرفت که در نتیجه آن چون خطر سقوط حکومت کابل واضح بود حکومت شوروی برای حفظ و نجات حکومت دست نشانده خود بتاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ در

افغانستان مداخله نظامی نمود وآنرا اشغال کرد .

رئیس دولت وقت حفیظ الله امین با داخل شدن عسکر روس آنها بقتل رسید و ببرک کارمل در عوض وی نصب گردید . با وصف اینکه این مقاومت مردم افغانستان در آغاز بسیار تنظیم شده نبود با آنهم بصورت دسته جمعی و سرتاسری افزایش یافت .

در جریان این مبارزه نصب العین عمومی مردم افغانستان مشترک بوده و هدف آن رهائی افغانستان از چنگ قوای اشغالگر خارجی میباشد . با افزایش مقاومت مردم تشدد واختناق متجاوزین نیز شدت یافت . مردم افغانستان در اثر این روش بتعداد کثیر به خارج و مخصوصاً به پاکستان و ایران مهاجر گردیدند .

۲) تهاجم اتحاد شوروی اذهان عامه بین المللی را شدیداً تکان داد و مورد تقبیح فوری جهان واقع گردیده و عکس العمل شدیدی بار آورد . چنانچه در ماه جنوری ۱۹۸۵ بعد از ویتوی اتحاد شوروی در شورای امنیت مجمع عمومی ملل متحد بصورت فوق العاده دایر و مداخله مذکور را محکوم و خروج فوری قوای اتحاد شوروی را خواستار شد . علاوتاً کنفرانس ممالک اسلامی و پارلمان اروپائی نیز این تجاوز را محکوم و خروج

فوری قوای اتحاد شوروی را از افغانستان مطالبه نمود .

بتاریخ ۱۹ فروری ۱۹۸۵ وزرای خارجه جامعه اروپائی عساکر اتحاد شوروی را مطالبه نموده و پیشنهاد استقرار یک نظام بیطرف را در افغانستان تحت تضمین بین‌المللی نمود . محکوم ساختن این تهاجم اتحاد شوروی از تاریخ فوق بیعد از طرف مجمع عمومی ملل متحد ، پارلمان اروپائی کنفرانس اسلامی، نهضت عدم انسلاک و جامعه عرب مکرراً تائید گردیده است .

در حالیکه اتحاد شوروی تقاضا های مکرر خروج قوای خویش را نادیده گرفته است ، جهاد روبه توسعه و تنظیم گذاشت . در نتیجه بتاریخ ۱۶ جون ۱۹۸۲ پارلمان اروپائی از حکومات کشور های عضو خویش تقاضا نمود تا "جهاد افغانستان را بحیث یک قوت آزادی بخش مشروع ملی" برسمیت بشناسند و بآن " جمیع کمک های لازمی را چه در ساحه بشری وچه در دیگر ساحات " میسر سازند .

دوم : خصوصیات جهاد افغانستان

۳) جهاد مردم افغانستان در مقابل قوای اشغالگر خارجی دراولین روز های اشغال شوروی از بین کتله های بزرگ مردم افغانستان

آغاز گردید تا از استقلال ملی و هویت فرهنگی خویش دفاع نمایند .

نهضت مقاومت مردم افغانستان در مقابل یک قدرت پوشالی قرار گرفت که جمیع چرخ های دولتی را چه در داخل وچه در ساحه بین المللی غصب نمود . مقاومت که در آغاز سازماندهی کمتر داشت بتدریج تشکل یافت. ساختمان این مقاومت طبعاً تحت تأثیر عوامل خاص جنگ درافغانستان قرار داشت که عبارتند از: سلاح کثیر، دقیق و پیشرفته اتحاد شوروی ' ضعف انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان ' مشکلات طبعی مواصلاتی در اراضی و عدم حمایه کافی از خارج .

٤) ولو که نهضت مقاومت مردم افغانستان تمام صلاحیت های دولتی را تعمیل کرده نمیتواند با آنهم بمرور زمان بحیث یگانه نیروی مؤثر در کشور تبارز نموده است . مقامات کابل دارای هیچنوع قدرت نمیباشند . اینهم کاملاً مبرهن است که جمیع مقامات مهم در نفس ادارات دولتی دو جانبه در نظر گرفته شده است : از یکطرف توسط یکنفر افغان که فاقد هر نوع صلاحیت می باشد واز طرف دیگر ذریعه یکنفر « مشاور » شوروی که از اصل قدرت برخوردار است .

مؤثریت نهضت مقاومت مخصوصاً در سه ساحه ذیل بمشاهده میرسد :

- ادامه جنگ
- اداره مناطق آزاد شده
- پیشبرد روابط بین المللی

الف) بدون شک امروز جنگ در افغانستان مستقیماً بین قوای اتحاد شوروی و مجاهدین افغانی در جریان است و عساکر رژیم کابل صرف نقش حاشیوی داشته زیرا مؤثریت شان در اثر پیوست کتلوی عساکر مذکور با مجاهدین تقلیل فاحش یافته است . اتحاد شوروی به تنهائی عملاً جنگ را طرح ، اداره و پیش میبرد . این حقیقت که اتحاد شوروی مذاکرات مستقیم را با قوماندان مسعود بغرض موافقه نمودن بر آتش بس در درهٔ پنجشیر براه انداخت مثال بلا تردید درین زمینه محسوب میگردد .

این مبارزه بلاشک بدون اینکه اشکال یک جنگ « عادی » در بین دولت را بخود بگیرد، تخنیک های جنگ چریکی را استعمال مینماید . با آنهم نمیتوان از آن موجودیت نهضت مقاومت را استنباط کرد زیرا جنگ چریکی در مقابل قدرت عظیم شوروی یگانه

تخنیکی است که نهضت مقاومت با وصف محدود بودن منابع نظامی اش در مقابل اتحاد شوروی از آن استفاده نموده میتواند .

ب) موجودیت مؤثر یک قدرت توسط کنترولی افاده میگردد که قدرت مذکور بر نفوس و ساحه مورد نظر تعمیل کرده بتواند بعذالک واضح است که در ارزیابی مؤثریت این کنترول نمیتوان از اوضاع و خاصتاً از محدودیت هائی چشم پوشی کرد که توسط حالت جنگ ، عقبمانی اقتصادی بر افغانستان تعمیل گردیده است.

پیداست که زیاده از سه ربع ساحه افغانستان تحت کنترول مؤثر نهضت مقاومت قرار دارد . این رقم یک سنجش وسطی بوده ودر عرصه نظامی معنی عدم اشغال وقتاً فوقتاً در ساحات مذکور را توسط قوای اتحاد شوروی نمیرساند . برعکس حتی مناطقی که ظاهراً صد در صد تحت اداره قوای خارجی پنداشته میشود، بطور مثال شهر کابل کنترول مذکور صرفاً محدود به اوقات روز بوده و بهیچوجهه خارج از نفوذ قابل ملاحظه مجاهدین قرار ندارد .

بدین منوال کنترول نهضت مقاومت کلی و غیر متحول نیست ولی بازهم این امر مانع آن شده نمیتواند که در شرایط متحول

زمانی و مکانی نهضت مقاومت بلا تردید و بلاوقفه وظایف دایمی اداره مناطق آزاد شده را اجرا کنند . بدین ترتیب میتوان درین ارتباط نکات ذیل را تأکید کرد :

- یک اندازه معین بهره برداری از منابع اقتصادی کشور توسط نهضت مقاومت خاصتاً از معادن ذغال سنگ ولاجورد در شمال مملکت .

- تنظیم و سازماندهی امور تدارکاتی مواد غذائی و تهیه خدمات صحی برای مردم مخصوصاً از طریق کمک بدکتوران خارجی که متعاقب یکدیگر داخل افغانستان میشوند .

- تعمیل یک سلسله قدرت های مالیاتی (اخذ مالیات) .

- تنظیم امور پذیرائی ، اقامت ، اعاشه و اباته و گشت و گذار تعداد کثیر نامه نگاران خارجی .

- تنظیم قیم بعضی از مواد غذائی در برخی از مناطق که ظاهراً توسط مقامات کابل اداره میشوند و آنهم بشکل که مذکور بعداً از طرف مقامات نهاد « رسمی » پذیرفته شده وعملی میگردد .

- صدور تصادیق در مورد تصرف و ضبط اموال که راندگان وسایط نقلیه را از هرنوع مسئولیت درمقابل مقامات «دولتی» برائت میدهد.

ـ تنظیم امور تقلیاتی و نظارت بر خطوط مواصلاتی با وصف اینکه نهضت مقاومت عبور و مرور قافله های اتحاد شوروی را که تحت حمایت عظیم نظامی عملی میگردد بطور دائمی مانع شده نمیتواند.

ـ سازماندهی یک سلسله امور قضائی.

در داخل حدود آشکاریکه توسط جنگ و عقب مانی اقتصادی تعین گردیده است نکات فوق نماینگر قدرتیست که واقعیت عملی آن غیر قابل انکار میباشد. باید افزود که ملیونها پناهنده افغانی در خارج که اکثریت آنها در پاکستان و ایران زندگی بسر میبرند بدون قید و شرط شامل در نهضت مقاومت اند. با وصف اینکه نهضت مقاومت از صلاحیت اعمال برخی از امور نظامی در ساحه یک کشور خارجی برخوردار نیست با آنهم همبستگی عظیم فوق نماینگر نفوذ نهضت مقاومت بر این پناهندگان میباشد.

این همبستگی دلیل دیگری برای مؤثریت مزید نهضت مقاومت میباشد.

ج) باوجودیکه نهضت مقاومت برسمیت شناخته نشده است با آنهم نهضت مذکور در عرصه بین المللی در حالات مختلفه تبارز کرده است که مثالهای ذیل آنرا واضح میسازد:

- دعوت های متعدد از هیأت نهضت مقاومت جهت اشترا ک در جلسات کنفرانس ممالک اسلامی همزمان با تعلیق حکومت کابل از کنفرانس مذ کور .

- پذیرائی رسمی نمایندگان نهضت مقاومت از طرف رؤسای دول و حکومات کشور های اسلامی و ممالک غر بی و برعلاوه ازجانب سازمانهای بین المللی .

- مذا کرات و موافقات با صلیب احمر بین‌المللی .

علاوتاً اهلیت نمایندگی‌نهضت مقاومت از اراده ملت‌افغانستان توسط اقدامات جدیدی تائید میگردد که در جهت شناسائی نهضت مذ کور بحیث یک جنبش قانونی‌آزادیخواهی براه افتاده است‌مانند: قطعنامه پارلمان أروپائی ، فیصله نامه پارلمان بلژ یک وغیره .

سوم : شناسائی نهضت مقاومت افغانستان در سطح بین المللی

هه : برای ادرا ک صحیح موضوع شناسائی حقوقی نهضت مقاومت افغانستان باید در نکتهٔ .

الف) دولت افغانستان تا تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ که توسط قوای شوروی اشغال گردیـد از نظر جمیع کشور هـای جهان مستقل ودارای حا کمیت ملی بود .

ب) تهاجم اتحاد شوروی نقض مشهود یکی از اساسی ترین اصول حقوق بین الدول میباشد که عبارت است از حمایه حاکمیت ملی و استقلال یک دولت و منع هر نوع مداخله خارجی در امور داخلی آن که مخصوصاً با استعمال قوای مسلح توأم بباشد ، اصل فوق بصورت واضح درماده دوم فقره چهارم منشور ملل متحد درج میباشد و مکرراً از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد مخصوصاً در فیصله نامه های شماره ۲۱۳۱ (۲۵) ، ۲۶۳۲ (۲۵) و ۳۶ - ۱۵۳ (۱۹۸۱) تائید گردیده است .

هیچیک از فقرات فوق قابل تردید نبوده و هیچ دولتی درسال ۱۹۷۹ ، حاکمیت ملی افغانستان را از نظر حقوقی مورد شک قرار نداده بود، چنانچه عضویت افغانستان در مؤسسه ملل متحد گواه این مطلب میباشد . از طرف دیگر عدم قانونی بودن مداخله نظامی شوروی با وصف اینکه کشور مذکور در ابتدا سعی نمود تا مداخله خود را با بهانهٔ درخواست کمک از طرف مقامات افغانی بپوشاند ، کاملاً واضح است . اما اگر تقاضای چنین یک دعوت موجود هم میبود با آنهم بشکلی مداخله نظامی اتحاد شوروی صورت گرفت ، این حرکت کشور نامبرده را ابداً از نظر حقوقی

بسم الله الرحمن الرحیم

سفر جناب پروفیسور صبغت‌الله المجددی به ایطالیا ونتایج آن .

بتاریخ ۱۸ نوامبر جناب حضرت صاحب از طرف جمیع افغان های مقیم سویس زرلهند به جنیوا دعوت شدند . در آنجا جناب‌شان یک سلسله کنفرانسها - مصاحبه ها به حضور تقریباً سه صد روزنامه نویس از تمام دنیا حین جریان ملاقات سران دو قدرت بزرگ ایراد نموده که انعکاسات آنرا تمام جهانیان از صدای امریکا - بی بی سی وغیره شنیدند .

بعد ازین کنفرانس جناب حضرت صاحب در کانگرس سالانهٔ اتحادیه های کارگری سرتاسری ایطالیا که درآن نمایندگان تعداد زیادی از اتحادیه های کارگری جهان دعوت شده بودند . بنابر دعوت رئیس دارالانشاء این اتحادیه حضور یافتند . ودر جلسه افتتاحیهٔ آن بتاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۵ در شهر فلورانس شرکت

طرف قبول قرار نمیدهد . برعکس و تحت همه فرضیه ها واضح است که هیچنوع درخواستی در زمینه از طرف مقامـات ذیصلاح افغانستان از اتحاد شوروی صورت نگرفته است که دال برضایت دولت افغانستان بر اشغال کشورش نماید .

جامعه بین المللی نیز در همین ارتباط بخطا نرفته است. چنانچه مجمع عمومی ملل متحد ۱۵ جنوری ۱۹۸۵ با اکثریت بزرگ (۱۵٤ رأی موافق ، ۱۸ رأی مخالف و ۱۸ رأی ممتنع) صریحاً اعلام داشت که مداخله اتحاد شوروی در افغانستان مخالف اصول اساسی حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دول ها میباشد و بالنتیجه مجمع عمومی خروج "فوری ، بلا شرط وکامل" قوای شوروی را مطالبه نمود واز ملت افغانستان دعوت بعمل آورد تا بصورت آزادانه شکل حکومت وتشکیلات سیاسی، اقتصادی واجتماعی خودرا تعین نماید . فیصله نامه های مذکور تـا حال چندین بار تـکرار گردیده است .

٦) با کمال تأسف باید اظهار داشت که اتحاد شوروی فیصله نامه های مذکور را احترام نـکرده وبا پشتپا گذاشتن بر اصول اساسی حقوق بین الدول به اشغال نظامی خویش دوام داده است . صرف

نظر از موضوع احترام به اصول حقوق بین الدول سه نکته ذیل دیگر نیز در همین رابطه در خور توجه میباشد :

الف) مداخله نظامی اتحاد شوروی روز بروز شدید تر گردیده ، بهیچوجه شکل عملیات امنیتی نداشته بلکه از آغاز یک جنگ واقعی را در پیش گرفته است .

ب) ماهیت پوشالی حکومت مذکور به ساحه ارضی و نفوس افغانستان ادعی دارد بکلی محدود بوده ودرجائیکه اقدام به عملی نمودن آن میکند بکمک قوای شوروی و تحت قیمومیت آن احرا میگردد . بنابر آن اهلیت تمثیلی حکومت کابل در ساحه بین المللی شکل پوشالی را اختیار نموده است .

ج) نهضت مقاومت افغانستان روبه انسجام گذاشته ودر عرصه شش سال باینسو در تحت شرایط نهایت مشکل ولی با مؤثریت علیه قوای اشغالگر غیر قانونی به مبارزه خود ادامه میدهد .

۷) انسجام و انکشاف این مقاومت دارای اهمیت بسزاست زیرا به مؤثریت آن گواه داده و موئید مشروعیت آن میباشد .

الف) از حقایق متذکره بر می‌آید که نهضت مقاومت افغانستان قدرت خو یشرا در قسمت بزرگ افغانستان مؤثرانه تعمیل مینماید.

مؤثریت فوق در ساحه های ذیل نمودار میشود :

- پیشبرد موفقانه مبارزه نظامی نهضت مقاومت با وصف افزایش عظیم عملیات نظامی اتحاد شوروی .

- اداره اراضی آزاد شده توسط نهضت مقاومت مخصوصاً در ساحات تنظیم و تربیه ، مواصلات، خدمات صحی و وضع بعضی مالیات .

- تماس های بین المللی روز افزون نهضت مقاومت که مؤید اهلیت تمثیلی آن در ساحه بین المللی میباشد .

از طرف دیگر باید بهمین ارتباط متذکر شد که اصطلاح " مؤثریت " ذاتاً یک مفهوم به تمام معنی نسبی بوده و بصورت دایمی بشکل مجرد تعین شده نتوانسته وتابع شرایط محیطی میباشد باین ارتباط مؤثریت نهضت مقاومت افغانستان تابع شرایط خاص جغرافیائی، [illegible]، اجتماعی و نظامی موجوده بوده که مستقیماً بر آن تاثیر [illegible] میکند . مخصوصاً باید این نکته را در نظرداشت که یکی از خصوصیات سلاح عصری آنست که ملل در حال مبارزه علیه کشور های خارجی را مجبور به پیشبرد جنگ های چریکی و وقفه ئی میسازد . بنابر آن نمیتوان از نهضت مقاومت انتظار آنرا برد که برخلاف تعامل بعضی جنگهای دیگر ساحهٔ

تعین را به صورت متداوم زیر سلطه خود داشته باشد .

ب) مشروعیت نهضت مقاومت ذاتاً نتیجه طبعی غیر مشروع بودن موجودیت قوای اشغالگر خارجی و قدرت یک دولت دستنشانده میباشد که غرض اخفای قوای اشغالگر مذکور بر کرسی نصب گردانیده شده است : ولی مشروعیت نهضت مقاومت تنها و تنها بر همین دلیل منطقی استوار نیست . مشروعت نهضت مذکور مقدم برهمه بالای حمایت و همبستگی عمومی مردم افغانستان اتکاء دارد که بدون آن مبارزه مسلحانه ایشان ناممکن خواهد بود . این مبارزه بذات خود و بدون شبهه و باوجود عناصر مختلفه متشکلهٔ آن بیانگر آنست که نهضت مقاومت از حمایت کامل و آزاد مردم افغانستان جهت آزادی آنها از اشغال قوای خارجی برخوردار است .

موضوع مشروعیت یک اصل اساسی است زیرا هرگونه ادعای اعمال قدرت بنام مردم بدون رضای مردم قابل اعتبار نیست . اگر مؤثریت برای یک مقام وسایل تعمیل قدرت را اعطاء میکند تنها مشروعیت است که در واقع برایش عنوان وصلاحیت اعمال قدرت را تفویض میدارد .

۸) جای تعجب خواهد بود هرگاه نهضت مقاومت افغانستان که بالای قسمت بزرگ خاک و مردم کشور حاکمیت دارد برسمیت شناخته نشود . البته این شناسائی برای مدت زیادی به نسبت عدم موجودیت اتحاد و امکانات تعین یک سخنگو واحد که از نهضت مقاومت افغانستان در صحنه بین المللی نمایندگی کند به تعویق افتاد : سخنگوی مذکور امروز بر اساس اتحادی عرض اندام نموده است که توسط علامیه مورخه ۱۶ مئی ۱۹۸۵ توسط هفت تنظیم مقاومت بوجود آمده و بنام " اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان " یاد میشود . طوریکه این اعلامیه تأسیس آنرا پیش بینی میدارد در حال حاضر بحیث یک اورگان سیاسی قابلیت و اهلیت برقراری روابط بین المللی را دارا میباشد .

اشکال این شناسائی چطور خواهد بود :

بدون شک در حال حاضر شناخت یک حکومت بشکل کامل آن پیش از وقت است بنا بر مبارزهٔ که نهضت مقاومت بدوش‌دارد نمیتواند که جمیع مسئولیت های حکومتی را بشکل معمول آن بعهده بگیرد .

از جانب دیگر چون مبارزهٔ مردم افغانستان عملاً شکل بین-

المللی دارد موضوع حقوقی شناخت طرفین متخاصم خود بخود مطرح بوده وهم تطبیق حقوق جنگ با امتیازات و مکلفیت‌های آن بالای طرفین قابل تطبیق می‌باشد .

در صورتیکه شناسائی یک حکومت قبل از وقت و شناسائی طرفین متخاصم بدون مفاد باشد ، بس آیا می توان ادعا کرد که هیچگونه شناختی در زمینه مطرح نگردد !

بهیچوجه ! زیرا امر مهمی است که نهضت مقاومت مردم افغانستان را به صفتی که واجد آن است برسمیت شناخت یعنی به حیث حرکتی که به تنهائی صلاحیت سخنگوئی بنام ملت افغانستان و تعمیل حقوق آنرا روابط بین المللی دارا میباشد .

۹) حقوق مردم افغانستان بصورت واضح بالای اصول حقوق عمومی بین الدول استوار می‌باشد مثلاً طوریکه در مصوبه شماره ۲۶۲۵ (۲۵) مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیان است . مجمع عمومی در مصوبه تاریخی ۱۸ جنوری ۱۹۸۵ ودر فیصله نامه های بعدی خود مکرراً حق انتخاب آزاد نظام سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی را بدون مداخله و فشار خارجی برای مردم افغانستان به صورت واضح تائید نموده است .

حکومت کابل کاملاً فاقد صلاحیت در اعمال حقوق فوق می باشد . حکومت مذکور با وصف دایر نمودن لویه جرگه نام نهاد تاریخی اپریل ۱۹۸۵ خود نه حاکمیت واقعی را داراست ونه از حمایت مردم برخوردار می‌باشد .

بنا بر آن صرف نهضت مقاومت می‌تواند ادعای تعمیل حقوق مردم افغانستان را نماید که نه واقعیت ونه مشروعیت آن مورد شک و تردید قرار گرفته می‌تواند . بنا بر همین علت اساسی است که پارلمان اروپائی بتاریخ ۱۶ جون ۱۹۸۲ با حق بجا‌یی از حکومات کشور های عضو خویش « شناسائی مقاومت مردم افغانستان را بحیث یک قوهٔ مشروع آزادیخواهی ملی » سفارش نموده است .

باید توضیح گردد که شناخت مذکور بهیچوجهه با تعامل بین‌المللی مغایرت نداشته و کاملاً با اصل حق خود ارادیت که در منشور ملل متحد ذکر گردیده است مطابقت دارد . گرچه در واقعیت چنان معلوم می شود که مجمع عمومي ملل متحد این حق را تنها برای ملل تحت یوغ استعمار قایل گردیده است ولی با آنهم یقین است که مبارزهٔ را که مردم افغانستان در مقابل یک قوای

اشغالگر جارجی در پیش گرفته است و مخصوصاً کاین مداخله غیر قانونی می‌باشد ، بحیث یک معامله داخلی پنداشت .

اینهم وضاحت دارد که اشغال نظامی افغانستان توسط اتحاد شوروی یک حالت « استعمار نوین » را بوجود آورده است که بیشتر از هر حالت دیگر باید ملل متحد را وادار به بررسی مستقیم آن نماید مخصوصاً " کاین اشغال عملاً حرکت ابر قدرتیست که به صورت آشکارا مخالف متن و روحیه منشور ملل متحد می باشد .

۱۰) بناً نمی توان شناسائی نهضت مقاومت را بحیث یگانه قوهٔ ذیصلاح که ملت افغانستان آنرا در مجادله خویش برای رهائی از اشغال خارجی و تعمول حق تعین سرنوشت خود بکار می برد مخالف اصول حقوق بین الدول تلقی نمود .

اینهم واقعیت دارد که در حالت فعلی حقوق بین‌الدول شناخت نهضت مقاومت به رضائیت دول می‌باشد ، وهیچیک از دول و سازمانهائیکه ملت افغانستان را در مبارزه اش علیه اشغالگر غیر قانونی کمک میکنند مکلفیت به شناخت حقوقی نهضت مذکور ندارد .

اما اهمیت موضوع در اینجاست که شناسائی نهضت مقاومت

افغانستان را بحیث یک حرکت آزادیخواهی ملی و مستقل که هدف آن رهائی کشور از یوغ یکنوع استعمار نوین می باشد ؛ نمی توان مخالف حقوق بین الدول و طرز العمل مؤسسه مللمتحد دانست وهم بنابر علت واقعی بودن آن ، طوریکه شرایط ایجاب می کند ' شناسائی مذکور را قبل از وقت دانسته و بالای آن اعتراض نمود . (پایان متن)

نوت : تنها متن فرانسوی رسمیت دارد .

مقدمه

چند ماه قبل جناب فضیلت ماب حضرت صبغت‌الله المجددی رئیس جبههٔ ملی نجات افغانستان سفری به اروپا نموده بودند که ضمن توقف شان در پاریس با میشل ویرون سردبیر مجله (دیفی افغان) ارگان نشراتی دفتر بین المللی برای افغانستان مصاحبه ئی انجام دادند که اینک بعضی از نکات عمدهٔ آن ترجمه و عرض مزید معلومات علاقه مندان به نشر میرسد .

انجمن سیاسی جبههٔ ملی نجات افغانستان

جستند . کنفرانس برعلاوه جناب حضرت صاحب مهمانان دیگری نیز از قبیل اندریوتی وزیر خارجه فعلی ایطالیا وصدر اعظم جناب کرا کسی حضور داشتند . بتاریخ ۲۷ نوامبرجناب حضرت‌صاحب بنابر خواهش رئیس مجلس نطقی به زبان انگلیس که به ایطالوی ترجمه میشد ایراد کردند ودر ختم هر جمله از طرف حضار که تقریباً در حدود چهار الی چهار ونیم هزار نفر تخمین میشد باشورو هلهله ای قابل‌و صفی بدرقه‌گردید . متعاقب جناب حضرت‌صاحب، به صدر اعظم ایطالیا آقای کراکسی اجازه ای ایراد خطابه داده شد که موصوف حین خطاب به اتحادیه کارگری سرتاسری ایطالیا از جهاد برحق مردم مسلمان افغانستان متذکر شد و موقف‌مقاومت مردم مسلمان افغانستان را از طرف حکومت ایطالیا تائید کرد .

بعد از حضور در کانگرس فلورانس جناب رئیس جبههٔ ملی نجات افغانستان از طرف کیمته همبستگی شهر تورینو که به مناسبت صدور یک قطعه نامه ازطرف انجمن حقوق دانان بین‌الملل تحت ریاست پروفیسور فرهوفن از بلجیک مبنی بر برسمیت‌شناختن مقاومت افغانستان بود . رسماً دعوت گردیدند که بتاریخ اول دسامبر در جلسهٔ افتتاحیه آن در شهر تورینو ایطالیا شرکت

مردم افغانستان عمل مارا قضاوت میکنند

مصاحبه با صبغت‌الله المجددی :-

پروفیسور صبغت‌الله المجددی مؤسس جبههٔ ملی نجات افغانستان یکی از هفت تنظیمی که درین اواخر اتحاد هفت گانه را در پشاور تشکیل داده اند و زمان اقامت خود در پاریس این مصاحبه را با سر دبیر مجلهٔ B.I.A. بعمل آورده اند .

سوال : دربارهٔ ملاقات سران دو دولت بزرگ چه نظر دارید .

جواب : چنین ملاقات‌ها همیش صورت نمیگیرد . تمام دنیا متوجه آن می‌باشد . فکر میشود که در آن چیزی بحیث نتیجه خواهدبود. آیا دربارهٔ افغانستان کدام چیزی مثبت بدست خواهد آمد . ـ ما میدانیم قضیهٔ افغانستان در آنجا مطرح شده است : شاید که آنها در بعضی موارد باهم موافقه کرده باشند . ما هنوز هیچ در آن باره نمیدانیم .

سوال : در مقالۀ روزنامۀ لوموند مورخه ۲۶ نوامبر ۱۹۸۵ آمده است که در بعضی محافـل واشنگتن چنین گفته میشود که مـوقف شوروی در قبال قضیۀ افغانستان طور مثبت تحول مینماید . قرار گفتار شولـز امکانات تحول موجود است . شما چه نظر دارید .

جواب : شما میدانید که گور با چوف از جنگ ستار گان حرف می زند و ریگان از مناقشات منطقوی . نقاط نظر آنها از هم بعیداند. معلوم میشود که موقف گوربا چوف قدری نـرم شده است . بهر صورت آنچه در بین آنها میگذرد بخود آنها مربوط است . چیزیکه به ما ربط میگیرد عبارت است از تشدید جنگ تـا آخرین رمق . وظیفۀ دنیای آزاد و اضلاع متحده است تـا قضیۀ افغانستان طـور مثبت حل گردد .

سوال : ما میدانیم که مسئله افغانستان بـه خـود مردم افغانستان مربوط است و نمیتوان آنرا وسیلۀ داد وستد بین دو ابرقدرت قرار داد . شما دربارۀ رول دول اروپائی چه فـکر میکنید .

جواب : ما از کمک آنها تشکر میکنیم . لیکن آنرا کافی نمیدانیم. سال گذشته درآلمان غرب حین یک دعوت توسط مؤسسۀ ادناور-من تعجب خودرا نسبت به موقف حکومت آلمان در تحکیم روابط

اقتصادی و سیاسی اش با روسیه و همچنین قرار داد فروش گندم را که امریکا جدیداً با شوروی امضأ نموده اظهار داشتم . لیکن فکر میکنم که موقف دول اروپائی نسبت به گذشته در قبال قضیهٔ افغانستان واضح تر شده است . بعض ازآنها کمک مالی هم میکنند که مورد استفادهٔ مهاجرین و مجاهدین داخل افغانستان قرارگرفته است . من فکر میکنم که این نتیجهٔ فشار افکار عامهٔ بین الملل میباشد . یکبار دیگر تکرار میشود که مسئله بین دو ابر قدرت حل نه بلکه بین ما و شورویها حل خواهد گردید . یعنی بین طرفین درگیر در جنگ . ما از تمام مملکت‌های جهان آزاد و اسلامی تقاضا داریم تا کمک های مالی و سیاسی خود را ادامه داده و بالای اتحاد شوروی فشار جهت خروج آن از افغانستان وارد سازد . بر علاوه تشکیل کنفرانسهای بین المللی که ما در آن شرکت مینمائیم خیلی مثبت تمام میشود . اینچنین انعقاد کنفرانس تور ینو که در آینده (نوامبر) برای بررسی شناخت حقوقی و دیپلوماتیک مقاومت افغانستان تشکیل خواهد شد دارای اهمیت بسزا خواهد بود .ـ چیزیکه مهم است همانا کمک های مالی و نظامی و حتی کمک‌های طبی میباشد . اگر آقای ربانی از آن ابا

می ورزد ما آنرا قبول داریم . حتی ارسال دکتوران طبی از طبقهٔ اناث .

سوال : کمیته های اروپائی (کمیته های همبستگی با جهاد افغانستان) در مارچ ۱۹۸۶ طی یکماه . ماه همبستگی را بامقاومت افغانستان برگذار میدارد . ایا شما میتوانید تا پیام ما را به‌رهبران ائتلاف جهت ارسال یک هیئت نمایندگی جهت شرکت در آن برسانید .

جواب : این یک ابتکار خوب است ومن پیام شما را به شورای عالی جهت ارسال یک هیئت خواهم رسانید .

سوال : ایا نتایج بدست آمدهٔ هیئتی که ائتلاف هفت پارتی به نیو یارک به مناسبت تشکیل اسامبلهٔ عمومی ملل متحد گسیل داشته بود مثبت میباشد .

جواب : بلی . لیکن نتایج چندان قناعت بخش نبود .

سوال : بعد از ششماه فعالیت ائتلاف هفت پارتی مقاومت را شما چطور ارزیابی مینمائید .

جواب : این ائتلاف باید زیاده تر مؤثر باشد . نسبت به اتحادهای سابق درین ائتلاف هر پارتی خود ارادیت تنظیمی را حفظ کرده

لیکن هر کدام آنها سیاست قبول شده را که از طرف ائتلاف معین می گردد مراعات می نمایند . یک نطاق برای مدت معین از طرف هفت تنظیم ریاست ائتلاف را متقبل میشود . یک کمیتهٔ سیاسی اعلامیه های رسمی مربوط اوضاع افغانستان و منطقه را ترتیب و بدسترس رسانه های گروهی قرار میدهد . یک کمیتهٔ نظامی ارتباطات جبهات را در داخل افغانستان ترتیب میدهد . فعالیت این کمیته درین اواخر حین حملات روسها در پکتیا و کنر بطور واضح مشهود گردید . از تصادمات بین گروپهای مجاهد جلوگیری شد و روسها نتوانستند تا سرحدات وراه های تدارکاتی را مسدود سازند .

سوال : در اینجا فکر میشود که تشکیل این ائتلاف یک مرحلهٔ مهم و مثبت در راه مشکل حل سیاسی میباشد . لیکن ایا این ائتلاف یک رو کش ویا عمل تصادفی نیست که در حقیقت مجادله برای قدرت و یا کسب اقتدار در داخل مملکت را ستر و اخفا مینماید .

جواب : حس جاه طلبی انسان یک چیزی طبیعیست . واقعاً بعضی ها آرزو و ارادهٔ بلعیدن دیگر احزاب را برای کسب قدرت کامل

به سرمی پرورانند . لیکن شما میدانید که درین مدت شش سال مجادلات مردم افغانستان پختگی سیاسی زیاد بدست آورده اند . مردم افغانستان حقیقت پسند بوده و مارا از روی اعمال ما قضاوت میکنند . هر رهبر و هر حزب را از روی اعمال شان قضاوت میکنند . ما خواه بخواهیم ویا خواه نخواهیم مردم افغانستان قدرت تصمیم گیری را دارند . زمانیکه مردم ما آزادگردید . خودتصمیم نهائی را اخذ خواهند کرد . در حال حاضر ما ازین ائتلاف نهایت قناعت داریم . باوجود مشکلات مالی میتوانیم که گرد یک میز جمع شده وباهم در جهت زدودن دشمن باهم همکاری نمائیم . وبه اثر این همکاری درین اواخر روسها چندین شکست را متحمل شده اند واین خود باعث دلگرمی ما شده است تا همکاری خود را ادامه دهیم و ائتلاف را تقویه نمائیم . ما باید مشکلات کوچک را فراموش کنیم . چیزیکه مهم است ما باید باهم گفتگو نمائیم و جهت مصالحهٔ بیشتر چاره بسنجیم .

سوال : ایا شما اطلاع دارید که اخیراً تنظیم جمعیت اسلامی تصمیم گرفت تا اطباء اناثیه را در جبهات خود اجازهٔ مسافرت ندهد .

جواب : این قضیه را باید از آقای ربانی پرسید .

سوال : دلیل این تصمیم را بعضی ها فشار برخی از محافل فکری در ممالک عربی بالای جمعیت اسلامی میدانند .

جواب : اگر این ادعا حقیقت داشته باشد میتوان آنرا بدین ترتیب حل نمود . محافل متذکره باید جای مؤسسات طبی فرانسوی رادر جبهات برسازد . تا جائیکه من میدانم آنها تا حال حتی به ارسال دوکتوران طبی ذکور هم مبادرت نه ورزیده‌اند . باید هر چه زود تر چاره نمایند. تاجائیکه بمن مربوط میگردد من همیش طالب کمک های طبی بدون تبعیض و بدون هیچ شرط بوده و هستم . مردم ما شدیداً به آن نیاز دارد .

سوال : در صورت مذاکرات شما آماده خواهید بود که با روسها در یک میز بنشینید یا مصالحه را قبول کنید .

جواب : من همیش فکر کرده ام که مذاکرات واقعی وقتی صورت گرفته میتواند که طرفین درگیر باهم گفتگو نماید . یعنی روسها و مجاهدین . . حکومت پوشالی کابل هیچ چیز را تمثیل نمیکنند . دربارهٔ مصالحه باید تذکر داد که باید درین باره جمیع تنظیم ها باید تصمیم بگیرند . اکثریت تنظیمهای جهادی طرفدار مذاکرات بین روسها و مجاهدین میباشند . اما نه با حکومت پوشالی کابل

سوال : دربارهٔ بی طرفی افغانستان که از طرف مجمع بین المللی در صورت خروج عساکر روس از افغانستان بالای مملکت شما تحمیل گردد . نظریات تانرا ارائه دارید .

جواب : افغانستان همیش غیر منسلك بوده واین یك عنعنه ئی است که به ارادهٔ مردم افغانستان مطابقت دارد . درین صورت چطور از یک وضع حقوقي تحمیل شده از طرف قدرت های بزرگ بالای مملکت ما سخن رانده شده میتواند . این نظریه بیطرفی بطور طبیعی در مردم ما همیش موجود بوده واین خود بهترین تضمین تلقی شده میتواند .

سوال : سر نوشت کمونست ها چه خواهد بود در صورتیکه شما فردا افغانستان را اداره نمائید .

جواب : باز هم مردم درین باره تصمیم خواهندگرفت . ما ارگانهای عنعنوی داریم که دران مردم تمثیل میشوند . خصوصاً لویه جرگه ها .

سوال : شما اولاً دفتر بین المللی برای افغانستان راکه یک مؤسسهٔ غیر حکومتی است چطور ارزیابی مینمائید . طبق نظریه شما ما چطور پشتیبانی خود رابه مقاومت تقویت کرده میتوانیم .

جواب : رول شما بسسیار بزرگ است . شما دریک مملکت دیمو کراتیک فعالیت مینمائید . افکار عامه درین جا میتواند بالای حکومات فشار وارد نماید . رول شما بیدار نمودن شعور مردم نسبت به مقا ومت مردم افغانستان میباشد . ودران صورت است که حکومت های غربی مادتاً و سیاستاً مارا تقویه خواهند کرد . شما توجه مردم را نسبت به مقاومت افغانستان باید همیش زنده نگهدارید .

سوال : دربارۀ پروژه های انکشاف زراعتی که دفتر بین المللی برای افغانستان ظرف امسال براه انداخته است چه فکر میکنید .

جواب : بسیار مهم است . مردم افغانستان زراعت پیشه بوده و هشتاد فیصد مردم ما به آن اشتغال دارند . تعدادی از آنها فعلاً تفنگ را جهت راندن دشمن بدست گرفته اند . زمین‌های زراعتی توسط روسها تخریب گردیده است . باید زراعت تقویه شود .

سوال : مجاهدین در حال حاضر فعالیت زراعتی‌را فروگذاشت نموده و زیاده تر به امور جنگی مشغول اند . مجاهدین فعلاً تفنگ را بر قلبه ترجیح میدهند . در ین باره چه فکر میکنید .

جواب : ما هرگز کار زراعتی را حقیر نمی شماریم . ما یک ملت

دهقان هستیم . باید زراعت و مالداری تقویه گردد . قسمیکه دفتر بین المللی برای افغانستان در کنر به امور زراعتی می پردازند . باید حاصلات زراعتی نیز از حملات دشمن مصؤن گردد . پس برای کمک به زراعت و زارعین بائیست سلاح ضد هوائی وراکت زمین به هوا داده شود .

دربارهٔ مشکلات متخصصین تان در ساحات زراعتی و تربیت کادر میتوانند که آنها موضوعات و مشکلات خودرا بامن درمیان بگذارند .

در اخیر من از دفتر بین المللی برای افغانستان دربارهٔ عمل شان نسبت به مقاومت مردم افغانستان ابراز تشکر نموده وخصوصاً از بیداری افکار عامه در فرانسه و اروپا نسبت جهاد افغانستان که حد زیاد محصول و نتایج مجادلات شما میباشد .

کردند . ریاست مجلس را جناب المجددی طبق خواهش کمیته همبستگی شهر تورینو بدوش گرفته ودر حالیکه رئیس بلدیهٔ شهر و رئیس پوهنتون حاضر بودند جلسات را افتتاح نمودند و نطقه مفصلی در زمینه ایراد کردند که به السنهٔ فرانسوی و ایطالیائی ترجمه میشد . خطابه ای موصوف به لسان انگلیس بود .

فردای آن روز مسوده‌ای را که قبلاً کمیتهٔ حقوق دانان بین المللی ترتیب داده بودند ودر آن برسمیت شناخته شدن مقاومت مردم افغانستان از حکومات دول آزاد تقاضا میشد به حضور جناب حضرت صاحب و جمع غفیری از برادران افغانی مقیم اروپا بحیث نمایندگان مهاجرین افغانی و نمایندگان مؤسسات خیریهٔ بین المللی مقیم اروپا در ارتباط با جهاد افغانستان ـ نمایندگان اخبارهای ممالک غربی و اسلامی قرائت گردید .

متن مسودهٔ پیشنهاد که قبلاً از طرف حقوق دانان بین المللی ترتیب داده شده بود فقط چند دقیقه قبل از شروع جلسه بدسترس حضار رسید . یعنی مطالعهٔ همه جانبه و عمیق آن در چند دقیقهٔ مختصر نا ممکن بود .

شخص اول که دربارهٔ مسوده نقطه نظر خود را ایراد کرد

محترم داکتر محمد قاسم فاضلی سابق استاد فاکولتۀ حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل بود و بعداً اینجانب داکتر محمد حیدر رئیس انجمن سیاسی جبهۀ ملی نجات افغانستان نقطه نظر خودرا درین باره بیان نمودم انتقاد ما دو نفر به پراگراف اخیر که در آن شناسائی مقاومت مردم افغانستان توام با شناسائی رژیم کابل بوده معطوف و پیشنهاد شناسائی رژیم کابل در پهلوی شناسائی مقاومت مردم افغانستان شدیداً نکوهش گردید .

در خطابه خود به نقاط ذیل تماس گرفتیم .

اول غیر مشروع بودن رژیم کابل چه از لحاظ حقوق مربوط حاکمیت ملی و از لحاظ حقوق بین الدول مبنی بر تجاوز روسیه شوروی بر خاک یک مملکت مستقل و آزاد . فلهذا مردود بودن شناسائی رژیم کابل توام با شناسائی مقاومت مردم افغانستان تائید گردد .

دوم ـ نکوهش جبن و موقف شرمنده منورین غرب در قضیه افغانستان با مقایسه آن به جنگ ویتنام وغیره بطور مفصل بنابر واقعیت های تاریخی .

سوم ـ بمیان آوردن مظاهرات حما یتی طرفداران مردم افغانستان

علیه سیاست شوروی در شهر های اروپائی و امریکائی .

بیانات نویسندهٔ راپور تاژ از طرف مجلس رئیس آقای نوبیوسناتور عمری و استاد افتخاری پوهنتون تورینو جداً مورد تائید قرار گرفت .

قریب ده الی ۱۲ ساعت دربارهٔ متن مسوده نظریات حضار شنیده شد ودر اخیر جناب حضرت صاحب به لسان انگلیسی که به ایطالیائی ـ فرانسوی و آلمانی ترجمه میگردید نطق مفصلی ایراد و نقطهٔ نظر مجاهدین افغانستان را خاطر نشان و تعدیلات لازمه را که در نظریات قبلاً پیشنهاد شده بود دوباره تاکید فرمودند .

نمایندگان جمعیت اسلامی افغانستان و حزب اسلامی افغانستان که درین جلسات حاضر بودند گفتار جناب حضرت صاحب را تائید کردند .

به تاسی از پیشنهادات فوق اعضای مجلس بدین نظریه موافقه کردند تا مسوده دوباره از طرف کمیته بین المللی حقوق دانان مورد مطالعه قرار گیرد وبعد از حزف پرا گراف شناسائی رژیم پوشالی کابل توام باشناخت مقاومت مجاهدین افغانستان دوباره درارجاع گردد. بنابرخواهش حضرت صاحب کمیته موصوف وعده دادند تا مسوده نهائی را

بعد از ترجمه هر چه زود تر به دسترس مشمولین کنفرانس قرار دهند . این جلسه که از هر حیث قابل اهمیت میباشد . به امید خداوند بزرگ که در تاریخ درخشان جهاد بر حق مردم مسلمان افغانستان علیه تجاوزگران روس روزی به حیث یک مبدأ مهم تلقی گردد . سفر رسمی جناب حضرت صاحب به تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۸٤ اختتام پذیرفت .

جهت معلومات بیشتر خوانندگان محترم اینک به ترجمه کامل پراگراف رد شده توأم با متن اصلی فرانسوی آن جهت معلومات مفصل تر برای خواننده محترم می پردازیم .

On soulignera , si besoin est , qu ' une telle reconnaissanc pourrait coexister, sans contradiction insurmontable, avec un maxtien de la reconnaissance du gouvernement de Kaboul. L'etrange serait quel'on ne retirat point a un pouvoir aussi fictif qu'illegitime sa reconnaissance. S'il en va ainsi, pour quelque raison que ce soit,il ue serait cependant pas juridiquement incoherent que deux reconnaissances coexistent. La pratique en connait en effet maints examples, comme par example lors de la conquete de l'Ethiopie par l'Italie, lors de la

guerre civile espagnole ou lors de la reconnaissance d'une France libre, a cote d'une France "officiele" durant la seconde guerre mondiale. Il resterail seulement a esperer qu ' en pareil cas, l ' on ne confonde pas les responsabilities specifiques de chacune des autorites reconnues.

ترجمه :

خاطر نشان میشود ، اگر ضرورت ایجاب نماید، که این چنین شناسائی میتواند بدون تضاد و غیر قابل حل بانگهداشت شناسائی حکومت کابل یکجا باشد . تعجب آور خواهد بود . که در ادامه شناسائی چنین یک قدرت غیر واقعی وغیر مشروع اصرار صورت گیرد (مراد از حکومت کابل است) اگر چنین واقع گردد درین صورت هر دو شناسائی میتواند یکجا توأم بوجود آید بدون آنکه کدام تشتت حقوقی صورت پذیرد . عملاً مثالهای موجود است . مثلاً در زمان استیلای حبشه توسط ایطالیا ، از زمان خانه جنگی هسپانیا ویا شناخت فرانسه آزاد در پهلوی فرانسه رسمی (مقصداز فرانسه آزاد حکومت جلای وطن جنرال دوگول در لندن وفرانسه رسمی حکومت ویشی در فرانسه به زعامت مارشال پتن میباشد) . درین صورت آرزو برده میشود که درباره مسولیت های خاص طرفین شناخته شده مطالعه صورت نگیرد .

این بود متن پراگراف رد شده که در اثر مساعی و تلاش هیأت تحت رهبری جناب محترم حضرت صاحب حزف گردید .

نظر حقوقی در مورد برسمیت شناختن نهضت مقاومت افغانستان

اعضای کمیته حقوقی بین‌المللی که این نظر را تهیه نموده اند :

- لوبرتو بوبیو، سناتور عمری و استاد افتخاری پوهنتون تورینو (ایتالیا)
- مریو بیتاتی ، استاد پوهنتون پاریس (فرانسه)
- اندریه کومبه ، استاد پوهنتون تورینو (ایتالیا)
- لویگی کالدوریلی ، استاد پوهنتون جینوا (سویس)
- ادواردو گریپی ، استاد پوهنتون تور ینو (ایتالیا)
- ژان پیرایسل ، استاد پوهنتون جینوا (سویس)
- ادمان ژوو ، استاد پوهنتون پاریس (فرانسه)
- اوتو کمینیش ، استاد پوهنتون ریگنزبورگ (آلمان)
- الن پلی ، استاد پوهنتون پاریس (فرانسه)
- فرانسوا ریگو، استاد پوهنتون لوون (بلژیک)
- ژو ورهوون ، استاد پوهنتون لوون (بلژیک)
- همایون آصفی ، مشاور حقوقی افغان (پاریس)
- عبدالحکیم طبیبی ، مشاور حقوقی افغان (جینوا)

تورینو، ۲۵ نوامبر ۱۹۸۵

بسم الله الرحمن الرحیم

نظر حقوقی در مورد برسمیت شناختن نهضت مقاومت افغانستان

کمیته های اروپائی تسالد با مجاهدین افغان از اشخاصیکه اسمای شان در متن ذکر گردیده تقاضا نموده اند تا نظر خود را در موضوع شناخت جهاد افغانستان بحیث یک جنبش آزادیخواهی مستقل از نگاه حقوق بین‌الدول مطالعه نموده و نتیجه را ارائه دارند .

جواب این سوال در طی جلسات تاریخی ٥ - ٤ آکتوبر و ۲۹ - ۳۰ نوامبر ۱۹۸۵ منعقده شهر تورینو (ایتالیا) تهیه ودر ذیل تقدیم میگردد .

اول : **پیشگفتار**

۱) بشهادت تاریخ در سال ۱۷٤۷ احمد شاه درانی افغانستان‌نوین را بنیان گذاری کرد ودر دوره های بعدی استعماری این کشور بمقابل تهاجمات پی در پی امپراطوری برتانیا و روس تزاری برای حفظ آزادی خویش موفقانه مبارزه و مقاومت نمود . چنانچه

الله اکبر

جبهه ملی نجات افغانستان

نظر حقوقی در مورد برسمیت شناختن نهضت مقاومت افغانستان

و

مصاحبهٔ محترم پروفیسور حضرت صبغة الله المجددی

با

میشل ویرون سر دبیر مجلهٔ دیفی افغان

بسلسلهٔ نشرات ریاست انجمن سیاسی
جبهه ملی نجات افغانستان